**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه231– 19 /11/ 1398 استدلال به روایات /عده‌ی زنی که رحمش را خارج کرده اند /اقوال فقها در عده/کتاب العدد**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در مورد عده‌ی زنی بود که رحمش را خارج کرده اند؛ برای وجوب عده‌ی چنین زنی، به اطلاق آیه‌ی چهارم سوره‌ی طلاق استدلال شد. در این جلسه استدلال به روایات را برای وجوب عده، بیان خواهیم کرد.

# احتمال دیگر در آیه‌ی چهارم سوره‌ی طلاق

﴿وَ اللاَّئي‏ يَئِسْنَ مِنَ الْمَحيضِ مِنْ نِسائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللاَّئي‏ لَمْ يَحِضْنَ وَ أُولاتُ الْأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرا﴾[[1]](#footnote-1)

ممکن است آیه را این طور معنا کنیم که زن اطمینان دارد که یائسه‌ی شرعی شده است اما نوع افراد چنین اطمینانی ندارند و شک دارند که این زن یائسه شده باشد، در این صورت این زن باید سه ماه عده نگه دارد.

این معنا بعید است؛ زیرا بعید است زن به محض خون ندیدن یقین کند که به سن پنجاه سال رسیده است. شاهدی هم از روایات و کلام مفسرین بر این که شارع مقدس در این مورد اطمینان زن را حجت قرار نداده است، نداریم. گر چه امکان دارد شارع اطمینان شخص را در جایی که نوع مردم اطمینان ندارند، حجت نداند، چنان که در بحث طهارت و نجاست، ملاک یقین نوع مردم است؛ بنابراین به یقین شخص وسواسی اعتباری نیست. اما در بحث ما این طور نیست و شاهدی بر آن نداریم.

# روایت ذیل آیه‌ی چهار سوره‌ی طلاق

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: عِدَّةُ الْمَرْأَةِ الَّتِي‏ لَا تَحِيضُ وَ الْمُسْتَحَاضَةِ الَّتِي لَا تَطْهُرُ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَ عِدَّةُ الَّتِي تَحِيضُ وَ يَسْتَقِيمُ حَيْضُهَا ثَلَاثَةُ قُرُوءٍ قَالَ‏ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنِ ارْتَبْتُمْ‏ مَا الرِّيبَةُ فَقَالَ مَا زَادَ عَلَى شَهْرٍ فَهُوَ رِيبَةٌ فَلْتَعْتَدَّ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ وَ لْتَتْرُكِ الْحَيْضَ وَ مَا كَانَ فِي الشَّهْرِ لَمْ تَزِدْ فِي الْحَيْضِ عَلَيْهِ ثَلَاثَ حِيَضٍ فَعِدَّتُهَا ثَلَاثُ حِيَض‏[[2]](#footnote-2)

## معنای «وَ لْتَتْرُكِ الْحَيْضَ»

زنی که تاخیر حیضش کمتر از یک ماه باشد، باید عده‌ی به اقراء نگه دارد، اما اگر تاخیر حیضش از زمان مقرر بیش از یک ماه باشد، باید عده‌ی به شهور نگه دارد. اگر این تاخیر یا عدم تاخیر ناظر به حکم واقعی است، تاخیر یک ماه نقشی ندارد؛ زیرا زنی که یک ماه حیضش تاخیر داشته باشد اما قبل از سه ماه حیض ببیند، عده اش به اقراء می باشد و در صورتی که سه ماه خون نبیند عده اش به اشهر بوده و سپری شده است. بنابراین تاخیر یک ماه تاثیری در حکم واقعی ندارد.

به نظر می رسد وَ لْتَتْرُكِ الْحَيْضَ ناظر به حکم ظاهری می باشد. زنی که خون می بیند و هنوز یائسه بودنش معلوم نیست، نیاز به فحص دارد، یعنی نمی تواند خودش را غیر حائض فرض کند، بلکه باید نسبت به خون دیدن تفحص کند. این روایت می فرماید: تا زمانی که یک ماه از وقت مقرر حیض دیدن، نگذشته است، زن باید از حیض فحص کند اما پس از گذشت یک ماه، دیگر نیازی به فحص نیست.

در واقع روایت بیان گر یک شرط زائد می باشد و می فرماید: زن به مجرد احتمال یاس نمی تواند، وجوب فحص را رها کند، بلکه باید یک ماه از زمان مقرر حیضش تاخیر بیفتد تا فحص از حائض شدن را کنار بگذارد؛ وَ لْتَتْرُكِ الْحَيْضَ به همین معناست که پس از یک ماه دیگر نیاز به فحص نیست و باید عده‌ی سه ماهه نگه دارد.

یقین به یائسه شدن زن هم به خاطر تاخیر در حیض دیدن نبوده است. در نتیجه اشکالی که بیان می کردیم که با تاخیر یک ماهه چطور زن یقین به یاس پیدا می کند، وارد نیست و روایت با معنای اولی که برای آیه بیان کردیم منافاتی ندارد.

# استدلال به روایات بر وجوب عده‌ی زنی که رحمش را خارج کرده اند

## روایت اول

عَنْهُ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: عِدَّةُ الْمُطَلَّقَةِ ثَلَاثَةُ قُرُوءٍ أَوْ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ إِنْ لَمْ تَحِض‏.[[3]](#footnote-3)

 اطلاق این روایت شامل زنی که به سن یاس نرسیده است و حیض نمی بیند، می شود و عده‌ی سه ماهه را برای او ثابت می کند، فرقی هم ندارد منشا حیض ندیدنش چیست.

## روایت دوم

سَعْدٌ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ امْرَأَةٍ يَرْتَفِعُ‏ حَيْضُهَا قَالَ ارْتِفَاعُ الطَّمْثِ ضَرْبَانِ فَسَادٌ مِنْ حَيْضٍ أَوِ ارْتِفَاعٌ مِنْ حَمْلٍ فَأَيُّهُمَا كَانَ فَقَدْ حَلَّتْ لِلْأَزْوَاجِ إِذَا وَضَعَتْ أَوْ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ بِيضٍ لَيْسَ فِيهَا دَمٌ.[[4]](#footnote-4)

طبق این روایت ارتفاع حیض دو قسم است:

1. ارتفاع حیض ناشی از فساد و بیماری در رحم است.
2. ارتفاع حیض ناشی از حمل است.

ارتفاع حیض ناشی از حمل شامل زمان شیردهی هم می شود که معمولا زنان در این ایام حیض نمی بینند.

در نتیجه اگر زنی به خاطر وجود حمل، حیضش مرتفع شده است، با وضع حمل عده اش سپری می شود.

اما زنی که به خاطر فساد در رحم یا به خاطر شیردهی حیضش مرتفع شده است با گذشت سه ماه عده اش سپری می شود.

این روایت هم اطلاق دارد و شامل زنی که رحمش را خارج کرده اند و به نوعی فَسَادٌ مِنْ حَيْضٍ در مورد او صدق می کند، می شود.

طبق اطلاق آیه‌ی چهارم سوره‌ی طلاق و اطلاق روایات، زنی که رحمش را خارج کرده اند باید سه ماه عده‌ی طلاق نگه دارد.

حال باید بررسی کنیم آیا در مورد زن غیر یائسه تخصیصی وجود دارد که زنی با وجود عدم یاس، عده بر او واجب نباشد؟

1. سوره‌ی طلاق، آيه‌ی 4. [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص100.](http://lib.eshia.ir/11005/6/100/%D8%B9%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص116.](http://lib.eshia.ir/10083/8/116/%D8%B3%D8%B1%D8%AD%D8%A7%D9%86) [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج8، ص130.](http://lib.eshia.ir/10083/8/130/%D9%85%D9%87%D8%B2%DB%8C%D8%A7%D8%B1) [↑](#footnote-ref-4)